

جایگاه جهاد تبیین بر مسئله حجاب و عفاف با تکیه بر آیات و روایات

محمد سلمانی نسب^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۳۱

چکیده

پر واضح است که حجاب و عفاف در یک جامعه ضامن سلامت اجتماعی و روانی می باشد اما امروزه این مسئله مورد هجوم و شبهات و القانات فراوانی قرار گرفته است و میدانیم که یکی از کارآمدترین راه های مقابله مسئله جهاد تبیین می باشد که چندی است مورد التفات ویژه مقام معظم رهبری قرار گرفته است و آن را یک واجب فوری تلقی کرده اند. برپایه یافته های این پژوهش که به صورت توصیفی_تحلیلی به نگارش درآمده درصددیم تا ابتدا ضرورت و اهمیت عفاف و حجاب را بررسی کرده و سپس اطراف و جوانب و همچنین روشها و اهمیت جهاد تبیین در این مهم را مورد مذاقه قرار دهیم.

کلیدواژه‌گان: عفاف، جهاد تبیین، هویت زن، حجاب

^۱ دانش پژوه سطح ۲ حوزه ایت الله مدنی کاشان، msalmaninasab.۲@gmail.com

مقدمه

جمعیت زنان بیش از نیمی از جمعیت جهان را در برمیگیرد که با کمی فحوص در تاریخ می توان گفت نقش بسزای در کیفیت زندگی بشر از گذشته تا کنون داشته اند چنانکه زنانی چون اسیه همسر فرعون و حضرت مریم علیها السلام و حضرت زهرا سلام الله علیها و یا حضرت زینب سلام الله علیها تاثیرات بسیاری بردگرگونی حوادث زمانشان گذارده اند که روشنایی خورشید تبیین آنها تمامی تاریکی ها اعصار را تا به امروز روشن کرده است. و درمقابل زنانی هم بودند که موجب شد تا حوادث به شکلی قبیحی رقم بخورد. امروزه نیز مشاهده می کنیم که زنان در جامعه کماکان قدرت تأثیرگذاری گذشته را اگرنگوییم بیشتر، همانند گذشته دربردارند. لذا اسلام برای این جنس از بشر احکام و چهارچوب هایی قرار داده است که رعایت آن ضامن سعادت بشر می باشد. یکی از این احکام مسئله عفاف و حجاب است که اگر چه با بررسی آیاتی همچون « قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ... » (نور/۳۰) مورد توجه مردان نیز می باشد اما بیشرروی سخن با زنان است که عفت آنها بر مردان هم اثر چشمگیری می گذارد. در عصر حاضر با پیشرفت راه های ارتباطی و سهولت تبادل اطلاعات شاهد این هستیم که این امر مورد همجمله و شبهات فراوانی از سوی جوامع غربی قرار گرفته است به شکلی که دراین مسئله تشکیک شده است و عفاف و حجاب را مقابل آزادی زنان قرار داده اند و اهل بصیرت خوب میدانند که این حربه شیطان به نفع زنان نیست بلکه تماما با درنظر گرفتن منافع استکبار ستیز خودشان دست به چنین تهاجمی زده اند. درحالی که اسلام دین تبیین و روشنگری است لذا آنچه که دراین مقاله می خواهیم به آن پردازیم معرفی یکی از مهمترین راه های مقابله با این تهاجم فرهنگی یعنی جهاد تبیین می باشد که با اندک فحوصی در تاریخ به اجرای این مسئله در زندگانی ائمه علیهم السلام پی خواهیم برد زیرا اگر چه بخاطر خفقان های عصر ایشان، همه ائمه بزرگوار علیهم السلام نتوانستند جهاد نظامی کنند اما بوسیله این جهاد یعنی جهاد تبیین به حفاظت از کیان نظام اسلامی پرداختند. ما وظیفه داریم دراین

فضای غبارآلودی که دشمن برای افکار جوانان مهیا کرده است تا راه را پیدا نکنند، همه جانبه و جهادوار تبیین کنیم و با معرفی الگوهای کامل آنان را از خطای فکری و در نتیجه خطای عملی نجات دهیم. بر حسب جستجوی صورت گرفته مقالاتی حول محور جهاد تبیین و مسئله عفاف حجاب به نگارش درآمده است که در این پژوهش از آن بهره برداری شده است از قبیل: عفاف در آیات و نگاهی به روایات که به قلم دکتر کاظم قاضی زاده و سید علی احمدی سلمانی می باشد؛ همچنین حجاب از منظر قرآن کریم سرکار خانم سیمین قزلباش و مقاله عفاف حجاب از دیدگاه آیات قرآن و احادیث نوشته خانم ماریه محمودی یگانه و مقاله جایگاه جهاد تبیین در فرزند پروری از منظر اسلام که توسط فاطمه دهان و حمیده حائری و عدرا خلیلی به نگارش درآمده است. البته با بررسی و فحص در پیشینه میابیم که اگر چه در مورد جهاد تبیین در مسائلی گوناگون بحث شده است و یا بحث حجاب و عفاف مورد تحقیق قرار گرفته است اما در رابطه با جهاد تبیین در این امر عفاف و حجاب پژوهشی را یافت نکردم و این خود تمایز این پژوهش از سایر تحقیقات می باشد لذا با توجه به التفات ویژه دشمن به تهاجم بر این مسئله وظیفه دانستیم که پیرامون آن بحث هایی را بیان کنیم.

بیان مفاهیم

مفهوم جهاد تبیین

با توجه به اینکه مفهوم جهاد تبیین از دو واژه جهاد و تبیین تشکیل شده، لذا ابتدا به تعریف و تبیین این مفاهیم پرداخته میشود.

تبیین

تبیین در فرهنگ عمید به معنای بیان کردن، آشکار ساختن و توضیح و تفسیر، آمده است (عمید، فرهنگ فارسی عمید، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۶۴۲) و همچنین در کتاب فرهنگ معین به معنای بیان کردن، روشن کردن و توضیح آمده (معین، فرهنگ فارسی یک جلدی معین، ۱۳۸۴: ص ۳۳۶) در کتاب فرهنگ روز سخن این واژه به معنی، روشن و آشکار ساختن

موضوع یا مطلبی، آمده است (انوری، فرهنگ روز سخن، ۱۳۸۳: ص ۲۸۷). مراد از تبیین در درجه اول، پاسخ به سوال "چرایی" است (قراملکی، روش شناسی مطالعات دینی، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۱۱۲) واژه «تبیین» در بسیاری از آیات قرآن به معنای ظهور و انکشاف و وضوح آمده است. «بینه» به چیزی گفته میشود که دلیل روشن و آشکاری است. خواه عقلی باشد یا محسوس. به همین دلیل به دو شاهد عادل که در امور قضایی شهادتشان مدرک است «بینه» اطلاق میشود. به معجزات انبیاء نیز «بینه» گفته میشود. و «بیان» به معنای پرده برداری از چیزی است، خواه به وسیله نطق بوده باشد یا نوشتن یا اشاره یا شاهد حال (مکارم شیرازی، پیام قرآن، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۲۱۳). در اصطلاح می توان آن را بعنوان یک روش هدایت، تربیت و روشنگری در نظر گرفت. اصطلاح تبیین فرایندی است، عقلی - پژوهشی، معرفتی، که براساس دلیل و برهان و به شیوه ای منسجم و منطقی، به بررسی جنبه یا جنبه های گوناگون یک مسئله پرداخته و از پیدایش مسئله مجهول یا امر مبهم، به وجود می آید (جمشیدی، مبانی و روش شناسی تبیین با تأکید بر اندیشه سیاسی، ۱۳۶۹: ص ۷۰) همچنین علامه طباطبایی مراد از تبیین را کشف و پرده برداری از علل احکام و قوانین و روشنگری اصول و معارف و علوم ذکر می کنند (طباطبایی، تفسیرالمیزان، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۲۹۵) معنی مورد نظر این پژوهش اشکار کردن و روشن کردن می باشد.

جهاد

واژه جهاد در فرهنگ عمید به معنای، کوشش کردن، کوشیدن به اندازه طاقت، جنگ کردن، در راه دین حق، جهاد اکبر: در اصطلاح اهل عرفان جهاد یا جنگ با نفس، و ریاضیت برای تزکیه نفس است در مقابل جهاد اصغر که جنگ در راه دین است (عمید، فرهنگ فارسی عمید، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۸۴۳)

همچنین در فرهنگ فارسی معین به معنای کارزار کردن، جنگیدن در راه حق آمده است (معین، فرهنگ فارسی یک جلدی معین، ۱۳۸۴: ص ۴۳۰)

در کتاب فرهنگ روز سخن به معنای، در راه دین جنگیدن (یکی از فروع دین)، پیکار و مبارزه آمده است (انوری، فرهنگ روز سخن، ۱۳۸۳: ص ۳۹۸) همچنین جهاد واژه ای عربی است که از دو ریشه گرفته شده است: جهاد به معنای طاقت و نیرو و دیگری جهاد به معنای مشقت است. اگر بخواهیم در یک کلمه جهاد را معنا کنیم به آن مبارزه می‌گوییم. در آموزه های دینی ما، جهاد یعنی مبارزه برای یک هدف والا و مقدس. هر چیزی جهاد گفته نمی‌شود. ممکن است در امور نظامی، داعش هم اهل جهاد باشد اما آن را جهاد نمی‌دانیم چون خداوند در قرآن می‌فرماید: جاهدوا فی سبیل الله. جهاد باید در راه خدا باشد پس جهاد و کوششی را جهاد می‌گویند که یک هدف والا و مقدس داشته باشد (راجی، تبیین با نور قرآن، ۱۴۰۱: ص ۶۶). خصوصیت دوم جهاد استمرار و همه‌جانبگی است، هوشمندانه بودن و مخلصانه بودن است، پس اول اینکه جد و جهد داشته باشد و دوم اینکه هدفش الهی بوده و در برابرش دشمنی باشد. زیرا مبارزه انجایی که دشمن نیست معنایی ندارد. امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید: جهاد چهار شعبه دارد، امر به معروف و نهی از منکر و راست گویی و صداقت در مواضع. و این صداقت در مواضع همین صداقتی است که انسان باید در موضع‌گیری‌هایش داشته باشد، در موضع‌گیری سیاسی، اجتماعی فرهنگی و غیره و این صدق در موضع، خودش جهاد است. شعبه دیگر جهاد جدا شدن از فاسقین است، مرز بین ما و کفار باید معلوم باشد. اگر مرز مشخص نباشد جامعه هویت جمعی و وحدت جمعی ندارد. همچنین این کلمه در روایات درباره کارهای ارزشمند دیگری مثل امر به معروف و نهی از منکر، خوب شوهرداری کردن زن، تلاش مرد برای کسب روزی حلال، سخن گفتن به عدالت در برابر ظالم، حفظ یا برپایی سنتی نیکو، جنگ بانفس (جهاد اکبر) گفته می‌شود. جهاد در میدانهای مختلفی جریان دارد: حضور در جبهه جنگ مسلحانه، جهاد سیاسی، جهاد علمی، اخلاقی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فکری و تربیتی و پرورشی و در تمام میادین زندگی جهاد وجود دارد. اینها از اقسام جهاد هستند (صلح میرزایی، جهاد تبیین، ۱۴۰۱: ص ۲۶-۳۳) واژه جهاد در اصطلاح به معنای مبارزه کردن در راه

خدا با جان، مال و داراییهای دیگر خود باهدف گسترش اسلام یا دفاع از آن است. جهاد همراه با مشتقاتش ۱۰۸ بار در قرآن تکرار شده که در ۳۷ مورد به وجوه مختلف آن یعنی جهاد گفتاری، عملی و مسلحانه اشاره میکند (کرمی میرعزیزی، معنانشناسی واژه جهاد در قرآن، ۱۳۹۵: ص ۴۲)

آن چه که مدنظر این پژوهش است جهاد تربیتی و فکری و فرهنگی می باشد.

مفهوم جهاد تبیین

دو خطر عمده اسلام را تهدید می کند که یکی خطر دشمنان خارجی و دیگری خطر اضمحلال داخلی است.

دشمن خارجی یعنی کسی که از بیرون مرزها با انواع سلاح ها موجودیتی یک نظام را با فکرش و دستگاه زیربنایی عقدتی اش و قوانینش و همه چیزش هدف قرار میدهد. از بیرون یعنی چه؟ نه از بیرون کشور. از بیرون نظام؛ ولو در داخل کشور. دشمنانی هستند که خودشان را از نظام، بیگانه می دانند و با آن مخالفند. اینها بیرونند. اینها غریبه اند. اینها برای اینکه نظامی را نابود کنند و از بین ببرند، تلاش می کنند نقطه با شمشیر، با سلاح آتشین، با مدرن ترین سلاح های مادی، و با تبلیغات و پول و هر چه که در اختیارشان باشد. این، یک نوع دشمن است.

دشمن و آفت دوم، آفت اضمحلال درونی است. یعنی در درون نظام؛ که این مال غریبه ها نیست، این مال خودی هاست. خودی ها ممکن است در یک نظام، بر اثر خستگی، بر اثر اشتباه در فهم راه درست، بر اثر مغلوب احساسات نفسانی شدن و بر اثر نگاه کردن به جلوه های مادی و بزرگ انگاشتن آنها، ناگهان در درون، دچار افتردگی شوند. این، البته خطرش بیشتر از خطر اولیه است.

«این دو نوع دشمن - آفت برونی و درونی - برای هر نظامی، برای هر تشکیلاتی و برای هر پدیده ای وجود دارد. اسلام برای مقابله با هر دو آفت، علاج معین کرده است و

جهاد را گذاشته است.» (آیت الله العظمی خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از پاسداران، ۱۳۷۱)

یکی از انواع جهاد، جهاد تبیین است که به معنای مبارزه برای روشنگری و نمایاندن واقعیات و حقایق است و بر اساس قرآن و روایات سخن بزرگان و اولیای الهی و همچنین بر اساس سخن مقام معظم رهبری، جزو وظایف قطعی و فوری همه انسانها می باشد و شامل جهاد فکری، اعتقادی، تربیتی، عملی، تبیینی و تبلیغی و ... می باشد. در حقیقت جهادی ست مستمر و پیوسته، با تمام توان، در تقابل با دشمن جریان حق، همه جانبه و هوشمندانه و مخلصانه و برای رسدن به هدف الهی باشد همچنین در عرصه های مختلف نظامی، علمی اقتصادی، فرهنگی، تبلیغاتی، مطبوعاتی، سیاسی، عمرانی، مدیریتی و تربیتی و ... جریان دارد. این جهاد در واقع جهاد فکری است، زیرا در جنگ نرمی که دشمن با ما دارد، می خواهد از غفلت ما سوء استفاده کرده و ما را به خطا و اشتباه بیاورد. لذا هر کس که روشنگری کند و در راه روشنگری مردم تلاش کند و جلوی انحرافی را بگیرد و مانع سوء فهمی شود از آنجایی که در مقابله با دشمن است، تلاشش جهاد نامیده میشود، آنهم جهاد تبیین.

اهمیت جهاد تبیین بدلیل آن است که در حال جنگ نرم با دشمن هستیم و هدف دشمن قطع کردن زنجیره توأسی و وارونه جلوه دادن واقعیات و حقایق است. و دلیل تبیین هم آن است که اساس روش دین اسلام و انقلاب اسلامی، تبیین می باشد. جهاد تبیین بنا به دلایل ذیل اهمیت مضاعف دارد: مهمترین وظیفه انبیا و اهل بیت علیهم السلام بوده است، برای حفظ زنجیره توأسی و حفظ حضور مردم در صحنه، عملیاتی شدن ارزشها و آرمانها و مطالبه گری و کمک به حل مشکلات، مقابله با فتنه ها و خطر رها شدن تبیین در انحراف جوانان می باشد. از الگوهای جهاد تبیین میتوان به حضرت امام خمینی ره، روحانیون مبارز و حماسه حسینی در کربلا (پیام آوران کربلا) نام برد. (صلح میرزایی، جهاد تبیین، ۱۴۰۱: ص ۳۳-۸۸)

مفهوم عفاف و حجاب

عفاف در لغت:

واژه «عفاف» به فتح عین، مصدر ماده «عَفَّ» می باشد که مصدر دیگر آن «عَفَّه» است و این دو دقیقاً به یک معنا می باشند و به جای یکدیگر به کار می روند. کتاب «العین» عفت را اینگونه معنی کرده: «العَفَةُ الكَفُّ عما لا یحلُّ»: «عفت، خودداری از چیزی است که حلال نباشد» (فراهِیدی، کتاب العین، ۱۴۰۵ق: ج ۱، ص ۹۲)

«ابن منظور» در تعریف واژه عفاف می گوید: «خودداری از عمل یا سخنی که حلال و نیکو نیست» (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴ق: ج ۹، ص ۲۵۳).

«راغب اصفهانی» می گوید: «العَفَةُ حصولُ حالَّةٍ للنفسِ تمنعُ بها عن غلبه الشهوة»: «عفت حالت درونی و نفسانی است که توسط آن از غلبه شهوت جلوگیری می شود» و در ادامه می افزاید: «وأصله الاقتصار على تناول الشيء القليل»: «اصل آن، اکتفا به بهره مندی کم از چیزی است» که البته قرشی هم یک چنین معنایی را بیان کرده است. (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۲ق: ص ۵۷۳؛ قرشی، قاموس القرآن، ۱۴۱۲ق: ج ۵، ص ۱۸-۱۹).

مفهوم اصطلاحی عفاف

عفاف و عفت از اصطلاحاتی است که در علم اخلاق از آن بحث می شود و علمای اخلاق در تعریف آن گفته اند: «عفت آن است که قوه شهویه در خوردن و نکاح (امور جنسی) از حیث کم و کیف مطیع و فرمانبر عقل باشد و از آنچه عقل نهی می کند، اجتناب کند و این همان حد اعتدال است که عقل و شرع پسندیده است» (مجتبوی، علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادات)، ۱۳۶۴: ج ۲، ص ۱۵). شهید مطهری «عفاف» را به این شکل بیان می کنند: «عفاف و پاکدامنی یک حالت نفسانی است؛ یعنی رام بودن قوه شهوانی تحت حکومت عقل و ایمان، تحت تأثیر قوه شهوانی بودن، شره نداشتن» (مطهری، تعلیم

و تربیت در اسلام، ۱۳۷۳: ص ۱۵۲). بنابراین عفاف در اصل مدیریت کردن و زمامداری شهوت است و شهوت هم به طوری کلی هرگونه درخواست نفس و میل و رغبت به لذات مادی را در بر می‌گیرد. اما شهوت به معنی الخاص همان لذات جنسی می‌باشد.

دانسته شد که عفت دو مفهوم دارد که یک مفهوم کلی و عام می‌باشد که تمام خواسته‌ها و امیال در برابر لذات مادی را شامل می‌شود و یک معنای خاص دارد که مقصود خودداری از تعدی در مسائل جنسی است. آنچه که در روایات بیشتر از عفت قصد شده غالباً منظور خودداری در شکم و مسائل جنسی می‌باشد که والاترین عبادات محسوب می‌شود. نظیر روایت امام باقر علیه السلام که فرموده اند: «ما عبد الله بشيء أفضل من عفة بطن و فرج» و در روایت دیگری از ایشان آمده: «عفت شکم و پاکدامنی بهترین عبادت است» (کلینی، الکافی، ۱۳۶۵: ج ۲، ص ۱).

نکته ای که ضروری است تا بیان شود این است که «عفت»، کشتن شهوت نیست؛ بلکه گرفتن عنان و تعادل بخشیدن به آن می‌باشد.

نمایز مفهومی «عفاف» و «حجاب»

عفاف و حجاب از ارزشهای مهم اجتماعات انسانی می‌باشد که در جامعه اسلامی نگاه ویژه ای به آن شده است. در کتب لغت برای «حجاب» چند معنا پیدا می‌کنیم. حجاب به معنای پوشش (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ص ۲۹۸) و چیزی است که بین بیننده و آنچه می‌بیند، حائل شود (طریحی، مجمع البحرین، ۱۳۷۵: ج ۲، ص ۳۴).

با نگاه به معانی حجاب در میابیم که حجاب یک امری ظاهری می‌باشد؛ یعنی همان پوشش ظاهری افراد می‌باشد به ویژه در زنان. اما «عفاف» همانطور که از بیان معانی آن روشن شد یک حالت درونی است که بشر را از معصیت و فساد دور می‌کند و آثارش در رفتار شخص بروز و ظهور می‌کند. لذا عفت برتر و در جایگاه بالاتری نسبت به حجاب قرار دارد.

ضرورت جهاد تبیین در راستای اهمیت حجاب و عفاف

همواره دشمنان اسلام عزم خود را جزم کرده اند که مبانی و اصول اسلام را تحریف کنند. یکی از مسائل بسیار مهم اسلام حیا و عفاف است که خود حیا مسئله ای است که ظهور و بروز دارد. یکی از علائم حیا و عفاف پوشش و لباس است. چهار قرن پیش، در اثر رنسانس در غرب، فرهنگ شرم ستیزی و عفت گریزی، طراحی گردید (حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ۱۳۷۰: ص ۲۸). با این تحول محرم و نامحرم معنای خود را از دست داد، شرم، حیا و عفت همراه با لباس زن فرو ریخت و تمام محدودیتها، در تعامل دو جنس مخالف از میان برداشته شد (راسل، جهانی که من میشناسم، ۱۳۴۵ ش: ص ۶۸). خوب است در اینجا به یک سری آمارهای داده شده از کشورهای بی سرآمد و سرمنشأ بی حیایی هستندرا ذکر کنیم: بر اساس تحقیقی، در آمریکا در سال ۱۹۹۲م صد و دو هزار و پانصد مورد تجاوز جنسی به ثبت رسیده است. با این که به گزارش اف، بی، ای، تجاوز توأم با خشونت و زور از جرائمی است که کمترین میزان گزارش درباره آن وجود دارد. (هاید، روانشناسی زنان، ۱۳۸۴: ص ۴۱۳) به گفته محققان، زن آرایش کرده و نیمه عریان غربی، با هیولای تجاوز جنسی روبه روست، هر زنی، ۱۴ تا ۲۵ درصد احتمال تجاوز به خود را می دهد (هاید، روانشناسی زنان، ۱۳۸۴: ص ۴۱۵)

از اوایل انقلاب، یکی از اهداف مهم دشمن، تحریف حقایق و تاریخ بود. اگر یک وقت در داخل کشور حنجره ی اقلم مزدوری پیدا میشد که حقایق جنگ و انقلاب و اسلام را تحریف می کرد، میدیدید فریادهای تشویق از اطراف دنیا بند میشود. امروز نیز همین طور است. امروز هم اگر در داخل کشور کسانی به خاطر خوش کردن دل استکبار و راضی کردن دشمنان اسلام و این ملت و این کشور چیزی بگویند و بنویسند که در آن تحریف اسلام و تاریخ انقلاب و چهره های انقلاب باشد، می بینید که در دنیا از طرف دستگاه های تبلیغاتی استکبار برای او هورا می شکنند و او را تشویق می کنند. تبیین موضوع بسیار مهمی است (صلح میرزایی، جهاد تبیین، ۱۴۰۱: ص ۴۱) در قضیه جایگاه حجاب و عفاف زن در این چند سال مخصوصا در این دهه اخیر شاهدیم که دشمنان با تمام تلاششان

سعی دارند که زن را طوری معنا کنند و برایش جایگاهی تعریف کنند که حجاب و عفاف در آن جایی ندارد و پوشش زنان نشانه عقب ماندگی و عدم آزادی اوست؛ و تقریباً به این عقیده رسیده اند که حجاب سد محکمی در برابر خواسته های شیطانی آنان است و اگر این را از جلوی راهشان بردارند در امور اساسی تری که مدنظرشان هست موفق می شوند. البته مع الاسف می شود گفت تا حدود اندکی هم موفق شده اند و بعضاً در جامعه شاهد این هستیم که زنان حجاب را یک محدودیت برای خود و جایگاهشان می دانند. لذا جهاد تبیین در این مسئله بسیار امری ضروری است تا تمام اقشار جامعه بالاخص زنان متوجه اغراض بیمارگونه دشمن بشوند.

بررسی آیات و روایات پیرامون عفاف و حجاب

در ۲۱ سوره از سوره های قرآن مفهوم حجاب و عفاف مورد بررسی قرار می گیرد که به شرح ذیل می باشند:

سوره های اعراف، مریم، طه، شعراء، نمل، قصص، هود، یوسف، حجر، صافات، انبیاء، مومنون، معارج، عنکبوت، آل عمران، احزاب، نساء، الرحمن، نور، تحریم، مائده. ۱۴ سوره از این ۲۱ سوره، جز سوره های مکی می باشند که طرح مسئله حجاب و عفاف در این سوره ها بعد از سال سوم بعثت می باشد و این بعد از دعوت آشکال و علنی رسول خدا صورت گرفته است که غالباً به صورت داستان نازل شده است.

۷ سوره دیگر مدنی می باشند که این سوره ها به صورت تشریح احکام مربوط به حجاب و عفاف نازل شده است. بیشتر احکام و آیات صریح مربوط به حجاب و عفاف مربوط به دو سوره ی احزاب و نور است که به گواهی مفسران در سال پنجم هجرت و در خلال وقایع مربوط به جنگ احزاب، ازدواج پیامبر با زینب بنت جحش و همچنین جریان افک که در این سال ها واقع شد نازل شده اند.

انواع حجاب در قرآن

در طول تاریخ و در سیره ائمه علیهم السلام و همچنین آیات قران این یک مسئله واقعی و حقیقی است که تعاملات زن و مرد در حیات اجتماعی اجتناب ناپذیر است و با جست و جویی کوتاه در زندگی معصومین این مسئله را به وضوح خواهیم دید و بزرگترین و واضح ترین این ها حضور بی بدیل حضرت زهرا سلام الله علیها و حضرت زینب سلام الله علیها می باشد که مانند فانوس و چراغ موجب هدایت جامعه از ضلالت و گمراهی شدند. اما در باره محتوای و چگونگی و شیوه این حضور و تعاملات در آیات و کلام معصومین علیهم السلام طرح و توصیه های ویژه ای شده است که اختصارا به چند نمونه اشاره می کنیم:

۱. حجاب ظاهری (جسمی)

خداوند متعال درباره زنان مسلمانی که مورد اذیت قرار می گرفتند این گونه فرمود:

« يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ... » (احزاب/۵۹)

« ای پیامبر! به همسرانت و دخترانت و همسران کسانی که مؤمن هستند بگو: چادرهایشان را بر خود فرو پوشند [تا بدن و آرایش و زیورهایشان در برابر دید نامحرم قرار نگیرد]. این [پوشش] به اینکه [به عفت و پاکدامنی] شناخته شوند نزدیک تر است، و در نتیجه [از سوی اهل فسق و فجور] مورد آزار قرار نخواهند گرفت »

۲. حجاب بصری و چشمی

قرآن در این آیه می فرماید: « قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ » (سور نور، آیه ۳۰).

(مؤمنان را بگو که دیدگان خویش را فرو دارند و شرمگاههای خود را پوشانند، این، برای افزایش تزکیه آنها مؤثرتر است.)

یا در این آیه می فرماید: « وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ... » (نور ۳۱)؛ و به زنان با

ایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه هوس آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار نمایند، و (اطراف) روسری های خود را برسینه خود افکنند....

رسول خدا همچنان می فرماید: برای هر عضوی بهره‌ای از زنا است و زناى چشم، نگاه بد (چشم چرانی) است. (محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ۱۳۷۷: ج ۱۰، ص ۷۵)

۳. حجاب گفتاری

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب در گفتار در رویارویی با نامحرمان است. در آیه ای می فرماید: « يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا » (سوره احزاب، آیه ۳۲)؛ «پس در گفتار فروتنانه و با کشرمه سخن مگوئید تا بیمار دلان به طمع نیفتند و لحن پیراسته از باطل بر زبان جاری کنید».

۴. حجاب رفتاری

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب رفتاری زنان در مقابل نامحرم است، به زنان دستور داده شده است به گونه ای راه نروند که با نشان دادن زینت های خود باعث جلب توجه نامحرم شوند. خداوند در آیه میفرماید: « وَلَا يَضْرِبْنَ بَأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ » (سوره نور، آیه ۳۱)؛ «پای بر زمین نکوبند به گونه ای که زینت پنهان داشته شان را به اطلاع دیگران برسانند! - و مردان غریبه را به خود جلب نظر نمایند».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: بهتری زنان شما، زنی است که برای شوهرش آرایش و خودنمایی کند، اما خود را از نامحرمان بیوشاند (مجلسی، بحار الأنوار، ۱۴۰۳ق: ج ۱۰۳، ص ۲۳۵)

قرآن کریم حتی به زنانی هم که پیر و فرتوت شده اند هم اجازه تبرج و خودنمایی را نمی دهد:

« وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَّا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ... » (سوره نور؛ آیه ۶۰)؛ « و زنان از کار افتاده‌ای که امید به ازدواج ندارند، گناهی بر آنان نیست که لباسهای (رویین) خود را بر زمین بگذارند، بشرط اینکه در برابر مردم خود آرایی نکنند»

۵. حجاب قلبی

« ... وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ... »
... (اح— زاب، ۵۳)

« ... و هنگامی که چیزی از وسایل زندگی را (بعنوان عاریت) از آنان [= همسران پیامبر] می‌خواهید از پشت پرده بخواید؛ این کار برای پاکی دل‌های شما و آنها بهتر است!... »
پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) میفرماید: از گفتگو و اختلاط با زنان پرهیز، به راستی هیچ مردی با زن نامحرمی در خلوت سخن نمی‌گوید، مگر اینکه در دل او نسبت به وی رغبت پیدا می‌کند (محمدی نیا، بهشت خوبان، ۱۳۸۰ش: ص ۹۸)

از این پنج نوع حجاب به این مطلب می‌رسیم که به طور کلی حجاب یک مانعی است در مقابل افراد نامحرمی که قصد تصرف در حریم ناموس دیگران را دارند.

روشهای جهاد تبیین در عرصه حجاب و عفاف در کلام رهبر انقلاب

از مهمترین مسائل در بحث تبیین انتخاب بهترین و مناسبترین طرق و روشها از جهات مخاطب و شرایط و زمان و مکان است. رهبر انقلاب حفظه الله با تأکید بر اهمیت فضای مجازی جهات تنویر اذهان عمومی، اهمیت فضای حقیقی و ارتباط شفاهی یا مکتوب را نیز در موارد متعددی گوشزد فرموده اند.

در ادامه به برخی از روشهایی که در کلام مقام معظم رهبری به آنها آمده است اشاره می‌کنیم که این روشها به طور کلی برای امر تبیین می‌باشد اما بحث تبیین حجاب و عفاف هم قابل استفاده است؛ که البته این روشها منحصر در این چند امر نمی‌باشد:

۱. استدلال حکیمانه بر رفع شبهات حجاب

از جمله چیزهایی که در تبلیغ بسیار مهم است، این است که شما پاسخ استفهامهای مخاطبان خود را بدهید. اگر جوانی جلوی ما نشسته است و ده بیست سوال در ذهن او است، ما هم یک سخنرانی یک ساعته برای او می‌کنیم، در حالی که هیچ یک از سوالات او جواب داده نشده است، آیا به نظر شما این سخنرانی موفق است؟ البته که نه. ما باید سوالهای ذهن او را که احیانا بر زبان نمی‌آورد، یا نمی‌تواند به زبان بیاورد، یا خودش متوجه نیست که این سوالها را باید به زبان آورد، یا موقعیت مقتضی نیست، پاسخ دهیم. چطور میشود پاسخ داد؟ وقتی که استفهامهای او کشف شود و ما بدانیم در ذهن او چیست. این قدر که من به فضیلتی جوان و به علما توصیه می‌کنم که با نسل جوان تماس بگیرید، برای این است. با نسل جوان تماس بگیرید، سوالهای اینها را بخواهید، استفهامهای اینها را بخواهید، استفهامهای اینها را بشناسید، ببینید وقتی پای صحبت روحانی می‌نشینند، چه می‌طلبند؟ نه اینکه چه توقع دارند شما بگویید، بلکه چه توقع دارند برای آنها تبیین شود. این شناختن نیازها، خیلی مهم است. (دردیدار جمعی از روحانیون ۱۳۷۶/۱۰/۳)

۲. مراجعه به مخاطب

مقام معظم رهبری یکی از روشهای بسیار مفید برای تبیین را مراجعه به مخاطب می‌دانند ایشان بایان این که فضای مجازی که محل خوبی برای تبلیغ هست اما آن را کافی نمی‌دانند برای یک تبیین تمام عیار. امروزه به کرات دیده شده که افراد صرفا با حضور در فضای مجازی خواهان تبیین از این معجزات را دارند که یقینا نیاز جامعه بالاخص مسئله عفاف و حجاب را روشن نمی‌کند.

اهتمام به مخاطب واقعی. فضای مجازی چیز خوبی است، فرصتی است اما کافی نیست. بعضی‌ها چسبیده اند به فضای مجازی-تویتر و مانند اینها- برای اینکه پیامهایشان را برسانند، این فایده ندارد؛ مخاطب واقعی لازم است، میزگرد لازم است، سخنرانی لازم است، نشریه لازم است، بحثهای دو نفره و سه نفره لازم است، جلسات تحلیل لازم است؛ این جور با مخاطبیتان بنشینید؛ و مانند این کارها. (دردیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۶/۳/۱۷)

۳. استفاده از محصولات چند رسانه ای

استفاده از محصولات چندرسانه ای و مجازی هنر، بهترین وسیله برای انعکاس همین مفاهیم و همین مسائل است. متأسفانه دشمنان اسلام و ایران و شرف و عزت ما، از هنرهم سوء استفاده کردند؛ هنوز هم دارند میکنند. از شعر و نقاشی و داستان و فیلم و نمایش و بقیه‌ی شعبه‌های هنر، به عنوان ابزاری برای کوبیدن فضیلت، از بین بردن حقایق و فضایل معنوی و اسلامی، و سوق دادن به مادی‌گری و عیش و عشرت مادی، سوء استفاده میکنند. چه کسی باید این را جبران کند؟ شما جوانان. اگر انقلاب و جامعه‌ی اسلامی هنر فاخر و برجسته برخوردار نباشد، نخواهد توانست مکنونات قلبی خود را به مخاطبان خودش برساند و با آنها ارتباط برقرار کند. شما فرض کنید اگر در یک جامعه، امکان حرف زدن – همین سخنرانی کردن و همین گفتگوی با مردم را از صاحبان فضایل و افکار بگیرند و اجازه ندهند حرف بزنند، ببینید چه خسارت بزرگی پیش خواهد آمد. عین همین خسارت شاید از جهتی بزرگ تر از این خسارت، خسارت آن جمعی است که از ابزار هنر بی نصیب باشند؛ چون هنر چیزهایی را منعکس میکند که بیان ساده و عادی نمیتواند آنها را منعکس کند؛ مخصوصاً به نسلهای آینده و همین طور به نسل کنونی. این تاریخچه‌ی چندین ساله، چه آنچه که در میدان جنگ نظامی اتفاق افتاده است و چه آنچه که در صحنه‌های دیگر مثل همین صحنه‌های تظاهرات مختلف و حضور عظیم مردم در همه‌ی صحنه‌های گوناگون اتفاق افتاد، واقعاً تا امروز که ما با هم صحبت میکنیم به گمان من، به رشته‌ی تحریر و گزارش کشیده نشده است. یعنی خیلی کتاب باید نوشت؛ خیلی تصویر و نقاشی و عکاسی و فیلم و نمایش و داستان و بقیه‌ی نشانه‌های آثار هنری باید به کار بیفتند، تا بتواند عظمت این حضور مردم و تأثیر آن را برای کسی که به چشم خودمان خودش ندیده است، نشان دهد. من و شما هم که به چشم دیده ایم، وقتی گزارشی از جایی که در آنجا نبوده ایم به ما میدهند، میبینیم بسیاری از نکات از دیدمان پنهان بوده است. ۲. یک مسئله، مسئله‌ی تولید محتوا است. دستگاه تولید محتوا لازم داریم. ما

در زمینه‌ی تولید محتوا نمیتوانیم اطمینان کنیم به تصادفات و آنچه پیش می‌آید. بانکهای اطلاعاتی هستند البته. [اما] باید بنشینید روی این مسئله تولید محتوا طراحی کنید، فکر کنید.

تأثیر جهاد تبیین در مقابله با بی‌هویت شدن زنان

مبنای اسلام بر این است که انسان روحی خدایی دارد. و فطرت بشر به شکلی می‌باشد که ذاتا به دنبال خداوند می‌رود که کمال مطلق دارد. خداوند متعال در بیان جایگاه بشر در قرآن کریم این گونه می‌فرماید: «فَإِذَا سُوِيَتْهُ وَ نَفَخْتُ فِيْهِ مِنْ رُوْحِيْ فَعُوْا لَهُ سَاجِدِيْنَ.» (سوره هنگامی که آن را نظام بخشیدم و از روح خود در آن دمیدم، برای او به سجده افتید) (سوره سجده ص ۳۸). این آیه نشان از روح والا و جایگاه والای بشر دارد که اگر تن به هدایت الهی دهد می‌تواند از ملئکه هم فراتر رود و خداوند به این زیبایی برای ما بیان فرموده است.

آن چه که امروزه در جوامع بشری می‌بینیم چیزی برخلاف این مسئله هست و انسان‌ها با پیشرفت تکنولوژی و ماشینی به سمت و سویی رفته که گویا هرگز چنین جایگاه و هویتی نداشته است و باعث شده انسان از به طول کامل از اصل و حقیقت و هدف خلقتش فرسنگ‌ها فاصله بگیرد. همچنین رسانه‌های بیگانه یک تهاجم وسیعی در این زمینه دارند و باعث شده است که به این امر مخصوصا در کشورهای غربی سرعت ببخشد. این رسانه با دور کردن افراد از این هویت اصیل و حقیقی انسانی او را بی‌هویت کرده و در ادامه آن هویتی را که مورد نظر خودشان هست به او تحمیل و القا می‌کنند. این مسئله سبب ایجاد یک بحران هویتی در افراد بالاخص در زنان می‌شود. «بحران را می‌توان موقعیت یا ظرف خاصی دانست که بر اثر آن گروه مورد نظر، به سبب شرایط خاص تاریخی یا شرایط نوظهور، از شناخت دقیق حقیقت وجودی و حقوق خویش و نیز شناساندن آنها به دیگران باز مانده‌اند، به شکلی که نه تنها این گروه در این رهگذر، بین وهم و واقعیت معلق است، بلکه دیگران نیز از شناختن درست آن، عاجز می‌باشند. افراد در وضعیت بحران هویت

اجتماعی، نقش خود را در گروه نمی دانند و در سطح کلانتر، جامعه کارکرد خود را از دست می دهد جامعه دچار سردرگمی می گردد، نهادهای اجتماعی از حالت تعادل خارج میشوند و منزلت اجتماعی افراد لطمه میبینند. در مقابل، بحران هویت فردی به معنی عدم توانایی فرد، در قبول نقشی است که جامعه از او انتظار دارد. از ویژگیهای بحران هویت میتوان به: مدگرایی، وازدگی در مقابل فرهنگ بیگانه، بیگانگی با اجتماع، اشوبها و بحرانهای اجتماعی و بسیاری ناهنجاریهای فردی و اجتماعی نام برد مدگرایی نشان دهنده تزلزل و بحران هویت اجتماعی افراد جامعه است. در این وضعیت جامعه دچار انحراف شده است و افراد سعی می کنند خود را به یک نوع مدل و گرایش نسبت دهند تا بدین وسیله هوسهای خود را ارضا کنند. مدل‌های روزمره‌ای که خود را در لباس، نوع رفت و آمد، حرف زدن و مهمانی دادن یا به عبارت دیگر سبک زندگی نشان میدهد، معیار و شاخص بحران هویت جمعی است.» (حاج حسینی، بحران هویت و انحرافات اجتماعی، ۱۳۸۱: ص ۱-۱۰)

اسلام با تمام قدرت در برابر این امر یعنی «بی هویتی» می ایستد و همواره حقیقت و هویت انسان را متذکر می شود. کما این که در آیه قران می بینیم: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من در روی زمین، جانشینی [= نماینده‌ای] قرار خواهم داد» این آیه به صراحت حقیقت انسان که جانشینی خداوند است را متذکر میشود. همچنین در آیه دیگر آمده است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» که ما انسان را در نیکوترین صورت (در مراتب وجود) بیافریدیم. (سوره تین ۴) که اطلاق این آیه نشان از این است که انسان کامل ترین نوع خلقت از نظر روحی و جسمی و روحی را دارد.

در روایات ائمه اطهار علیهم السلام هم به این امر توجه شده است: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» (امام علی علیه السلام، غرر الحکم و درر الحکم، ۱۴۱۰ق: ص ۵۸۸، ح ۳۰۱)، هر کس خویشتن را بشناسد بی گمان خداوند را خواهد شناخت. این حدیث معرفت و

شناخت خدا را متوقف بر شناخت خود (انسان) دانسته است که این از جایگاه ویژه انسان پرده بر می‌دارد. علاوه بر همه اینها از نگاه قرآن انسان صاحب یک کرامت ذاتی است و این مسئله ای است که در وجود انسان به ودیعه گذاشته شده است: «ولقد کرّمنا بنی آدم و حملنا هم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلا» (اسراء: ۷۰) و محققا ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را (بر مرکب) در بر و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آنها را روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم. بنابراین می‌بینیم که اسلام دینی است هویت بخش و زنان ما دارای هویت دینی بسیار عظیمی هستند که باید تنبه داد و این را هم باید بگوییم که با این تفصیل نیازی به هویت سازی نیست زیرا شخص مسلمان از ابتدای امر هویت دینی و سیاسی و اجتماعی و هویتی همه جانبه و کامل و بی نقص دارد هویتی از جنس حضرت فاطمه سلام الله علیها و زینب کبری علیها السلام که لازم است افرادی که مخاطبینی دارند و یا اهل فکر و تبلیغ هستند این الگوهای بارز و ناب اسلامی را برای زنان نهادینه کرده تا به هویت واقعی خویش واقف گردند.

نتیجه گیری

تشریحات دین اسلام علاوه بر اینکه با توجه شخص انسان ها صادر شده است اما به خوبی و بدون هیچ شکی می‌بینیم که وجه اجتماعی بشر در غالب احکام و دستورات در نظر گرفته شده و بنا به مصالح و مفاسد این وجه احکام صادر شده است. و به خوبی درمیابیم که اسلام دینی اجتماعی است و تک روی و شخص ن‌گری در این دین معنایی ندارد لذا در تمام مباحث قوانین و محدودیت هایی را شارع مقدس وضع کرده است تا بهداشت روانی و اخلاقی جامعه حفظ شود که یکی از آنها رعایت کردن عفاف و حجاب توسط انسان ها بویژه زنان می باشد که با حفظ حریم ها سلامت جامعه در معرض خطر قرار نمیگیرد. آنچه که امروز در جوامع غربی به خوبی می‌بینیم این است که با خلط مسئله عفاف و درمقابل آزادی اجتماعات بشری را به لبه پرتگاه آورده که برای بیان مصداق می‌توان گفت یکی از

نهاد های اصیل اجتماع بشری از دیرباز تا کنون که خانواده هست را هم تحت الشعاع خود قرار داده است و با تأسف زیاد این نسخه را امروز برای جوامع شرقی بالاخص بلاد اسلامی نیز پیچیده اند که رگه هایی از آن را به خوبی می توان در کشورهای اسلامی مشاهده کرد. لذا باید در جامعه یک جهاد تبیین از سوی آگاهان و مرتبین به این مسئله صورت بگیرد تا بوسیله اقناع فکری همه افراد جامعه و بالاخص نوجوانان و نسل آینده از این آسیب بسیار جدی مصون بماند و همانطور که اشاره شد نیاز به یک جهاد همه جانبه و خستگی ناپذیر می باشد تا تمامی مجهولات و شبهات و بدفهمی ها در این زمینه مانند یک روز آفتابی روشن شود.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن منظور، محمد، «لسان العرب»، دار أحياء التراث العلمي، بيروت، ۱۴۱۴ق.
۳. راسل، برتراند، «جهانی که من می شناسم»، ترجمه روح اله عباسی، چ ۴، شرکت سهامی کتابهای جیبی، تهران، ۱۳۴۵ش
۴. هاید، جانت شیلی، «روانشناسی زنان»، ترجمه اکرم خمسه، چ ۱، نشر آگاه و انتشارات ارجمند، تهران، ۱۳۸۴ش
۵. محمدی ری شهری، محمد، «میزان الحکمه»، ترجمه حمید رضاشیخی، چ ۱۰، چ، موسسه فرهنگی دارالحديث، قم، ۱۳۷۷ش
۶. مجلسی، محمدباقر، «بحار الأنوار»، ج ۱۰۳، چ ۲، مؤسسه الوفاء، تهران، ۱۴۰۳ق
۷. انوری، حسن، «فرهنگ روز سخن»، چ ۱، انتشارات سخن، تهران، (۱۳۸۳)
۸. فرامرزقراملکی، أحد، «روش شناسی مطالعات دینی»، ج ۱، چ ۱، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، (۱۳۸۵)
۹. حداد عادل، غلامعلی، «فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی»، چ ۴، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۰ش

۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد بن المفضل، «مفردات الفاظ القرآن»، تک جلدی، چ ۲، انتشارات ذوی القربی، قم، ۱۴۱۲ق.
۱۱. طریحی، فخرالدین، «مجمع البحرین»، ج ۲، چ ۴، مکتبه المرتضویه، تهران، ۱۳۷۵.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، «الکافی»، ج ۲، چ ۴، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵.
۱۳. مطهری، مرتضی، «تعلیم و تربیت در اسلام»، چ ۲۳، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۳.
۱۴. مجتوبی، سید جلال الدین: «علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادات)»، ج ۲، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۶۴.
۱۵. معین، محمد، «فرهنگ فارسی یک جلدی معین»، چ ۷، انتشارات معین، تهران، ۱۳۸۴.
۱۶. عمید، حسن، «فرهنگ فارسی عمید»، ج ۱، چ ۱۱، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۶.
۱۷. محمدی نیا، اسدالله، «بهشت خوبان»، چ ۱، نشر سبب اکبر، قم، ۱۳۸۰ش
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، «پیام قرآن»، ج ۱، چ ۹، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۶.
۱۹. قرشی، علی اکبر، «قاموس القرآن»، ج ۵، چ ۶، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۱۲ق.
۲۰. جمشیدی، محمدحسین، «مبانی و روش شناسی تبیین (باتأکید بر اندیشه سیاسی)»، چ ۱، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ۱۳۶۹.
- طباطبایی، محمدحسین، «تفسیر المیزان»، ج ۱۳، چ ۵، مترجم سید محمدباقر موسوی همدانی، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۴.
۲۱. صلح میرزایی، سعید، «جهاد تبیین (در اندیشه حضرت ایت الله العظمی خامنه ای)»، چ ۱، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران، ۱۴۰۱.

۲۲. کرمی میرعزیزی، بیژن، «معناشناسی واژه جهاد در قرآن»، نشریه سراج منیر، دوره ۷، شماره ۲۳، تیر ۱۳۹۵.

۲۳. راجی، محمدحسین، «تبیین با نور قرآن»، ج ۱، چ ۱، نشر ویراستاران، تهران، ۱۴۰۱.

۲۴. حاج حسینی، حسن، «بحران هویت و انحرافات اجتماعی»، ش ۱۷، مطالعات راهبردی زنان، ۱۳۸۱.

۲۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، «غررالحکم و دررالحکم»، محقق رجائی، چ ۲، دارالکتب الاسلامی، قم، ۱۴۱۰ق.

۲۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، «کتاب العین»، ج ۱، چ ۱، دارالهجره، قم، ۱۴۰۵ق.

۲۷. سایت حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای،

www.khamenei.ir